

تأثیر فلسفه در استقرار هنر اسلامی

فاطمه پورگله داری، مهلا یوسفی بزنجانی، محدثه حسینی نژاد تختی، الهه قاسمی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش و تأثیر فلسفه در استقرار هنر اسلامی و به بیان دیگر بررسی هنر از دیدگاه اسلامی برای دستیابی به درک کامل هنر اسلامی، سبک ها و ارزش های آن است. اهداف کلیدی عوامل مؤثر بر استقرار هنر اسلامی و درک اهمیت هنر در فرهنگ اسلامی بود. تجزیه و تحلیل موضوعی بر اساس ادبیات به عنوان روش استفاده شد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد کیفی و به صورت علمی مروری انجام گرفته است و از طریق مطالعه کتابخانه ای - اسنادی بوده است. هنرهای تجسمی که از قرن هفتم به بعد توسط مردم اسلامی از نظر فرهنگی ایجاد شده است، هنر اسلامی نامیده می شود. هنر اسلامی از زمان پیدایش و جدا شدن از هنر سنتی، راهی برای آشکارسازی درونیات هنر و پیام های فرهنگی، مفهومی و اجتماعی آن در پیش گرفته است. به گفته محققان قبلی، هنر اسلامی نمایانگر هماهنگی معنوی است و قدردانی از زیبایی در هنر اهمیت زیادی داشت. این پیشنهاد مطرح شد که هنر و آنچه هنر را تشکیل می دهد به شدت تحت تأثیر تاریخ و ارزش های جوامع خاص یا وابستگی های مذهبی است. متفکران اسلامی رویکرد جدید و جسورانه ای به هنر اسلامی دارند و انسان را خدایی ترین موجودی می دانند که خداوند متعال ساخته است.

کلمات کلیدی: هنر اسلامی، فلسفه، نفوذ، وحدت الهی، زیبایی

۱. مقدمه

از آنجایی که فیلسوفان غربی همواره معیارها و معیارهای غربی خود را در ارزیابی هنر اسلامی به کار می بندند، دیدگاه آنها نسبت به هنر با دیدگاه فیلسوفان اسلامی تفاوت چشمگیری دارد. واژه «نظریه هنر» به بررسی چستی هنر و چگونگی توصیف آن اشاره دارد. این بدان معناست که حس هنر بر اساس تجربه و نظرات فرد یا فیلسوف متفاوت است (احمد، ۲۰۰۹). دین بر نظریه و هنر با ارزش های دینی تأثیر گذاشته است که بر اجزای هنر تأثیر می گذارد و هنر را پذیرفته است. نظریه هنر متفکران اسلامی عمدتاً به بیان ایمان اسلامی می پردازد. هنر سنتی و مقدس از نظر فیلسوفان اسلامی باید بر توسعه جهانی متفکرانه و دلپذیر متمرکز شود که در آن واقعیت الهی به خوبی نمایان شود و معنویت سازی تحقق یابد. علاوه بر این، متفکران اسلامی معتقدند که هنر بیش از یک پدیده فیزیکی یا هنری است، زیرا تجسم انتزاعی معنایی بالاتر است (باکار، ۲۰۰۹). این ممکن است به این معنا باشد که هنر مقدس از آن جهت که پیام های الهی را می رساند و از مکان و زمان فراتر می رود، معادل هنر اسلامی است. در نتیجه، هنر از قلمرو الهی سرچشمه می گیرد تا رابطه خدا با انسان ها را منتقل کند، و هدف آن فقط برقراری ارتباط با واقعیت اولیه و تبدیل اشکال غیبی به اشکال محسوس است. به عقیده متفکران غربی، فیلسوفان اسلامی علاوه بر افزودن بر ادبیات جامعه، تخیل را در هنر کم ارزش، تقلیل و محدود کردند. در نتیجه فیلسوفان غربی مدعی هستند که فیلسوفان اسلامی صحنه های نمایشی و توانایی های خلاقانه را مهار و مانع می شوند. این گونه دیدگاه ها، تفسیر نادرست قابل توجهی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی در مورد هنر و نظریه اسلامی هنر است. در نتیجه، این پژوهش هنر را از منظر اسلامی مورد بررسی قرار داد تا به درک کاملی از هنر اسلامی، مظاهر و ارزش های